



خانه مامتعلق به زائران امام رضا (ع) است

فهمیده که امسال از کاروان زائران پیاده اربعین جامانده است، با اندوه و ناراحتی می گوید: «همیشه چند هفته به اربعین مانده، حس و حال عجیبی داشتم و برای رفتن به زیارت اربعین لحظه شماری می کردم. هر شب در مسجد با بچه های هیئت در مورد زمان و چگونگی فراهم کردن مقدمات حرکت به کربلا صحبت می کردیم و برای رفقای عراقی پیام می دادم که به زودی حرکت می کنیم، اما امسال از کاروان اربعین جاماندم، هر وقت که تصاویر راهپیمایی اربعین را از تلویزیون می دیدم، بغض گلویم را می گرفت. شب هایی خواب می شدم و تا صبح خاطرات اربعین های گذشته را مرور می کردم و برای اینکه فکرم را رها کنم، تمام روز خودم را با کار مشغول می کردم. زمانی که پیشنهاد برپایی موبک شهادی بولوار شاهنامه برای مراسم دهه آخر صفر مطرح شد، خیلی خوشحال شدم و تقریباً از همان ابتدای برپایی موبک در کنار آقایان رضوی و باروت کوب حاضر شدم. در ایستگاه متوجه شدم که نیاز به خانه ای برای پذیرایی و اسکان زائران پیاده وجود دارد، بنابراین با تمام وجود پذیرفتم خانه ام را در اختیار زائران پیاده قرار دهم، همسرم نیز از این موضوع حمایت کرد. ما چند روزی به خانه پدرم رفتیم و خانه خودمان را در اختیار زائران پیاده گذاشتیم. ماه به این موضوع افتخار می کنیم و در سال های آینده نیز خانه مان را در اختیار زائران و خادمان امام رضا (ع) قرار خواهیم داد.»

اولین زائران راهپیمایی اربعین از محله اکبر آباد

فهمیده در پی این اتفاق نذر می کند که مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی کند. اومی گوید: «طبق نذر در ایام اربعین برای سفر به کربلا آماده شدم. در یکی از جلسات هیئت «محبان حضرت رقیه (س)» موضوع سفر به کربلا مطرح کردم. در همان جلسه ۱۴ نفر دیگر نیز اعلام آمادگی کردند. ما اولین زائران کاروان اربعین از محله اکبر آباد بودیم. در روز اعزام، تمام اهالی محله برای بدرقه ما آمده بودند. هر کس تقاضا یا خواسته ای از امام حسین (ع) داشت، می گفت و می خواست که پیامش را به امام حسین (ع) برسانیم. پس از ما تعداد بیشتری از اهالی، مشتاق زیارت کربلا شدند، چنان که امسال بیش از هزار نفر از اهالی بولوار شاهنامه در زیارت اربعین شرکت کرده اند.»

همه عراقی ها برای خدمت به زائران پیاده آمده بودند

مهمان نوازی عراقی ها در کربلا توجه فهمیده را جلب می کند. او با تعریف خاطراتش از این سفر می گوید: «با وجودی که مردم عراق از لحاظ مالی و اقتصادی در وضعیت ضعیفی قرار دارند، بی ریا و با تمام وجود برای خدمت به زائران پیاده می آیند، حتی کودکان خردسال خانواده نیز با اهمیت این خدمت، آشنایند و ادامه دهنده راه پدران خود هستند. خلاصه هر کس به اندازه وسع و توان خود، به زائران پیاده اربعین خدمت می کند. برخی تنها با یک بسته دستمال کاغذی یا یک جعبه خلال دندان دین خود را ادا می کنند. ابو جعفر، یکی از عراقی هایی بود که در مسیر پیاده روی اربعین با او آشنا شدیم. او خانه و ماشین خود را فروخته و همه پولش را صرف خدمت به زائران اربعین کرده بود. خانواده او چند سالی کرایه نشین بودند. این یعنی ایشان را از خود گذشتگی، هر کسی قادر به انجام این کار نیست که آنچه خود نیازمند آن هست، به دیگران بدهد؛ البته این اعمال و ایثارها بی پاسخ نمی ماند و با عنایت امام حسین (ع)، خانواده ابو جعفر حالا خانه و ماشین بزرگ تری خریده اند.»

حکایت میهمان نوازی عراقی ها

فهمیده که هفت سالی است اربعین ها را می کربلا می شود، با تمجید از بخشش عراقی ها در یکی از سفرهایش می گوید: «در یکی از سفرها به همراه تعدادی از بچه های هیئت، حدود ساعت یک بامداد به شهر نجف رسیدیم. بلافاصله به خانه یکی از دوستان عراقی که قبلاً با او آشنا شده بودیم، رفتیم، اما هر چه زنگ زدیم، کسی در را باز نکرد. یک ساعتی گذشت، خسته و سرگردان در کوچه ایستاده بودیم که نوجوانی عراقی، به طرفمان آمد و از حالمان پرسید. یکی از بچه های ما که تا حدودی به زبان عربی مسلط بود، ماجرا را شرح داد. پسر نوجوان با خوشحالی از ما خواست که به خانه آن ها برویم. او گفت که پدرش از او خواسته است به خیابان برو و او را زائر غریبی را دید، با خود به خانه بیاورد. در خانه، مرد عراقی و تمام خانواده اش به استقبالمان آمدند. بعد از پذیرایی مفصل و خوردن میوه و شام، اتاقی را برایمان مهیا کردند. آن شب متوجه شدیم که تعدادی از اعضای خانواده این مرد عراقی در حیاط خوابیده اند تا ما راحت بخوابیم. روز بعد نیز که ما برای رفتن آماده شدیم، پدر خانواده از ما خواست چند روزی را در خانه آن ها بمانیم. این خانواده عراقی بدون اینکه ما را بشناسند، نصف شب چند مرد غریبه را به خانه خود راه دادند و با جان و دل از آن ها پذیرایی کردند. میهمان نوازی عراقی هایی نظیر است و ما باید این کار را از آن ها بیاموزیم.»

همراه با خانواده ای که خانه ۲ هزار متری خود را در اختیار زائران پیاده قرار داده اند

زائر نوازی را از عراقی ها آموختیم

حسین برادران فر - اربعین که تمامی می شود، چشم شیعیان به خراسان و مشهد دوخته می شود. کاروان های پیاده حرکت خود را از گوشه و کنار ایران به سوی مشهد آغاز می کنند و شهر و ندان مشهدی به رسم میهمان نوازی، به استقبال زائران امام مهربانی ها می روند. محمد فهمیده، یکی از ساکنان محله اکبر آباد، که شاهد میهمان نوازی اربعینی عراقی ها بوده است، با الگو قرار دادن آنان، امسال در کنار خدمت به زائران، خانه ۲ هزار متری خود را نیز در اختیار خادمان و زائران پیاده حریم رضوی قرار داده است.

با آغاز محرم، مشکلم حل شد

محمد فهمیده با اشاره به علاقه و اشتیاق فراوان خود به ماه محرم و امام حسین (ع) می گوید: «از همان دوران کودکی با شروع ماه محرم هر کاری از قبیل نصب پرچم، سیاه پوش کردن مسجد و چای دادن به عزاداران را انجام می دادم. هر سال که می گذشت، ارتباط روحی و معنوی من و امام حسین (ع) بیشتر و محکم تر می شد و در هنگام مشکلات به ایشان متوسل می شدم. چند سال قبل، یک ماه مانده به محرم، گرفتار مشکلی شدم که تمام زندگی ام را تحت تأثیر قرار داد. با دلی شکسته به امام حسین (ع) متوسل شدم، او جوابم را داد و با آغاز محرم از گرداب این مشکل نجات پیدا کردم. با این اتفاق، ارادت و علاقه ام به امام حسین (ع) چندبرابر شد.»



خسته و سرگردان در کوچه ایستاده بودیم که نوجوانی عراقی، به طرفمان آمد و از حالمان پرسید. یکی از بچه های ما که تا حدودی به زبان عربی مسلط بود، ماجرا را شرح داد. پسر نوجوان با خوشحالی از ما خواست که به خانه آن ها برویم. او گفت که پدرش از او خواسته است به خیابان برو و او را زائر غریبی را دید، با خود به خانه بیاورد.

